



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

موضوع: مسائل مستحدثه/ مسائل کرونا / وظیفه بیمار مبتلا به

کرونا و فاقد طهورین

حدیث اخلاقی

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ارض بقسم الله تكن اغني

الناس. [۱]

یکی از فرمایش‌های رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که به صورت امر هم صادر شده است و اگر قائل به این شویم که امر دال بر وجوب است باید مفهوم و معنای این فرمایش ایشان را تحقق بدهیم. فرمودند: راضی باش به آنچه خداوند قسمت تو کرده است تا در نتیجه بی‌نیازترین مردم باشی. اگر انسان به آنچه خداوند نصیب او کرده است در قسمت‌آباد حضرت حق همه قسمت‌ها با حساب و کتاب است و بهترین آرامش‌ها و زندگی‌ها را دارد و بی‌نیازترین مردم به تعبیر حضرت است. نیازها از این است که انسان به قسمت الهی راضی نیست.

الهی در قسمت آباد وجود بیشتر از این قسمت ما نبود. یا

ابالقاسم مددی! [۲]

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت‌الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت‌الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس‌ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

ما در کنار قسمت‌های الهی زندگی می‌کنیم. بلایا را هم قسمت وجودی بدانیم که این هم نعمت است و نعمت مطرح نیست.

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم شخص مریض یا گاهی اشخاص دیگری که با مریض در حکم یکی هستند مثلاً مانند پرستار یا مداوا کننده، اگر نتوانست وضو بگیرد از او ساقط است: حرج، ضرر، خوف یا حبس و مشکلات و دلایل دیگر فرقی ندارد. اگر ما قائل به تمثیل شویم موضوعات احکامش به یکدیگر سرایت می‌کند، در این صورت باید تیمم بگیرد. مریض به بیماری‌های مسری مانند کرونا در حکم تکلیفی وضو و نماز همانند سایر بیماران هستند. شاید در برخی احکام وضعی مانند مراقبت‌ها احکام خاصی دارند ولی در طهارت با مریض‌های دیگر یکی هستند.

اگر میسر بود وضو می‌گیرد و اگر نشد تیمم می‌گیرد. ولی اگر تیمم هم مقدور نبود باید چه کند؟ نمازش را بخواند یا خیر؟ اداء یا قضاء باید بخواند؟

نظر مذاهب در سقوط نماز فاقد طهورین

إذا فقد الطهورین ، كالذي يُحبس في مكان لا ماء فيه ولا ما يَتيمم به ، أو كان مريضاً لا يستطيع الوضوء ولا التيمم ، ولم يجد مَنْ يوضئه أو يَتيممه ، فهل يجب عليه أن يصلّي بلا طهور ؟ وعلى افتراض وجوب الصلاة وصلّي ، فهل يعيدها بعد أن يقدر على الطهارة ؟

قال المالكية : تسقط عنه الصلاة أداءً وقضاءً .

وقال الحنفية والشافعية : لا تسقط أداءً ولا قضاءً . ومعنى أدائها عند الحنفية أن يتشبه بالمصلين ، وعند الشافعية أن يصلي صلاة حقيقة ، فإذا ارتفع العذر أعادها على النحو المطلوب شرعاً .

وقال أكثر الامامية : تسقط أداءً ، وتجب قضاءً .

وقال الحنابلة : بل تجب أداءً ، وتسقط قضاءً . [۳]

مثلا کسی در آی سی یو است مراقبت ویژه نیاز دارد و تیمم و وضو برایش امکان ندارد باید چه کند؟
آیا نماز بر او واجب است یا خیر؟

• **مالیکه:** تسقط عنه الصلاة اداء و قضاء. چرا که نماز مشروط به طهارت است و شرط که برود مشروط هم می‌رود.
• **حنفیه و شافعیه:** لا تسقط اداء و لا قضاء. چون ادله وجوب نماز حاکم بر ادله شرایط نماز است.

حنفیه معنای ادائش این است که تشبه به مصلی داشته باشد. روی تخت جوری انجام دهد که انگار دارد نماز می‌خواند ولی شافعیه می‌گوید نمازش واقعی است و تصنعی نیست. فاذا ارتفع العذر ... باید دوباره نماز را بخواند.

• **حنابله:** اداء واجب است ولی قضاء ساقط است.
• **اکثر امامیه:** تسقط اداء و تجب قضاء. چرا ادا ساقط است چون طهارت از شرایط ماهوی نماز است و شرایط ماهوی که برود گویا ذاتیات شیء رفته و دیگر نماز نیست. ما مأمور به نماز با طهارت هستیم و نماز شرطی است که جزو هویت است.
قضا واجب است چون ما فات فله القضاء.

مرحوم سید یزدی رضوان الله تعالی علیه در مسأله هفتم بحث فاقد طهورین را مطرح کرده اند:
احوط جمع است. این احتیاط بعد از فتوا است و استحبابی است.

مسألة ۷: فاقد الطهورین يجب علیه القضاء ویسقط عنه الأداء ، وإن كان الأحوط الجمع بينهما. [۴]

اوامر دارای مراتب است و هر مرتبه‌ای که بتوانیم باید انجام دهیم. اگر همه مراتب ساقط شد امر ساقط است. این مبنای اصولی ما است.

اقوال امامیه در فاقد طهورین

ما مأمور به نماز با طهارت هستیم. اول مائیه و بعد ترابیه و اگر نشد، چند قول است:

(۱) باید ادا را فاقد داشته باشد و قضا را با یکی اگر شد انجام دهد. مثلاً پزشکی که نمی‌تواند شیفت خود را تحویل دهد. این نظر مرحوم محقق در شرایع [۵] است. مرحوم صاحب جواهر [۶] هم به شیخ در مبسوط و نهاییه [۷] نسبت داده‌اند که به ترتیب مفصل و مختصر است.

(۲) تنها ادا واجب است. مرحوم سید مرتضی [۸] و برخی بزرگان دیگر مانند مرحوم جزائری چنین نظری دارند. ادله وجوب نماز حاکم است و طهارت متعلق به نماز و شرط است. شرطی نیست که با اصل وجوب تراحم داشته باشد.

(۳) عدم وجوب ادا و وجوب قضا. دلیل را گفتیم. طهارت شرط ماهوی است و مشروط با رفتن شرط می‌رود. طهارت شرط ماهوی است و وجوب ادائی را می‌برد. ولی قضا لازم است. مشهور بین امامیه همین است. برخی گفته‌اند مخالفی پیدا نمی‌کنیم. ولی اجماع را ما دلیل مستقل نمی‌دانیم. دلیل پیرو است به نظر ما.

(۴) نظر علامه حلی در تبصرة و دیگر کتبشان [۹] این است که عدم وجوب ادا و قضا. مرحوم آقا ضیاء بر اساس تبصرة بحث فقهی کرده‌اند. ادا ندارد چون فقد شرط به عدم وجوب مشروط می‌انجامد. قضا مرتب بر مافات است. وجوب ادا فرع وجوب قضا است. چون ادا واجب نیست قضا هم واجب نیست.

برخی ادله قول اول

(۱) صحیح زرارہ: لا صلاة الا بطهور. [۱۰] معنایش نفی ماهیت است. صلات ماهیتش مشروط به طهارت است. چون ماهیتش مشروط به طهارت است وقتی طهارتی نباشد نمازی نیست. مفاد صحیح اعلائی و قابل فتوای زرارہ این است که نماز

بی طهارت نماز نیست. در مریض کرونایی که در مراقبت‌های ویژه است هنگام نماز که می‌شود بر او اصلاً واجب نیست.

۲) از برخی روایات قاعده‌ای استفاده کرده‌اند که الصلاة لا یسقط بحال. لا تسقط بحال در روایات نیست. چند روایت داریم لاتدع الصلاة علی حال. اجماع هم نداریم بر این قاعده. این راجع به زنی است که نفساء است. سؤال از نماز او می‌شود که چنین جوابی دارند. روایت زرارہ از امام باقر علیہ السلام.

وعن عدّة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد ، وعن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، وعن محمد بن إسماعيل ، عن الفضل بن شاذان جميعاً ، عن حماد بن عيسى ، عن حريز ، عن زرارة قال : قلت له : النفساء متى تصلي ؟ فقال : تقعد بقدر حيضها ، وتستظهر بيومين ، فإن انقطع الدم وإلاّ اغتسلت واحتشيت واستشفرت وصلّت ، فإن جاز الدم الكرسف تعصبت واغتسلت ، ثم صلّت الغداة بغسلٍ والظهر والعصر بغسلٍ والمغرب والعشاء بغسلٍ ، وإن لم يجز الدم الكرسف صلّت بغسلٍ واحدٍ ، قلت : والحائض ؟ قال : مثل ذلك سواء ، فإن انقطع عنها الدم وإلاّ فهي مستحاضة تصنع مثل النفساء سواء ، ثم تصلي ولا تدع الصلاة على حال ، فإنّ النبي (صلى الله عليه وآله) قال : الصلاة عماد دينكم. [۱۱]

تأمل: لا تدع در ضمن مسأله زنی است که الآن زایمان کرده است و از مسائل خاص اوست.

جواب: مبنای ما که مسائل تمثیلی هستند نه تخصیصی می‌توانیم سرایت بدهیم.

۳) استناد به قاعده میسور می‌کنیم. واجبی که آمد هر قسمتش را که می‌توانید باید بیاورید. اگر شد با طهارت اگر نشد بدون آن.

۴) شاید کسی بگوید طهارت از شرایط صحت است نه از شرایط وجوب. مثل ساتر و قبله است که با امکانش واجب است

و اگر نبود بدون آن آورده شود.

(۵) شاید ما در اینجا بتوانیم به اصل استحباب عمل کنیم. ما شک کردیم امروز در وجوب نماز دیروز که لباس مراقبت‌های ویژه را نپوشیده بود واجب بود، استحباب می‌گوید باید نماز را انجام دهد.

نقد ادله

این ادله وجوب همه قابل تأمل است.

(۱) عرض ما این است که دلیل برای اصل وجوب نماز با شرایط آن است که لا تدع الصلاة. شاید هم برخی بگویند مسأله خاص است.

(۲) اجماع را هم تأمل داریم.

(۳) قاعده میسور را به طور کلی نمی‌توانیم بپذیریم.

(۴) در بحث سقوط به خاطر سقوط شرط باید فرق گذاشت بین شرط واجب و شرط وجوب.

(۵) در استحباب باید مورد شک و یقین یکی باشد ولی اینجا تفاوت است. استحباب اجرا نمی‌شود مگر به اقسام کلی برگردانید که در برخی اقسام استحباب کلی تأمل داریم و باید در جای خود بیاید.

نظر صاحب عروه و حضرت امام

مرحوم سید ایشان احتیاط استحبابی به جمع دارند [۱۲] و دلیلشان این است که الإحتیاط سبیل النجاة ولی ما در مبانی خودمان معتقدیم احتیاط استحبابی هم نیاز به دلیل مستقل دارد. مطلوبیتش عند المولی باید ثابت شود ولو مطلوبیت ترجیحی.

ظاهراً حضرت امام هم چنین نظری دارند چرا که تعلیقه‌ای در

این بخش عروه نرده‌اند. [۱۳]

- [۱] سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، القمي، الشيخ عباس، ج ۲، ص ۲۵۴.
- [۲] الهی نامه، استاد هادی عباسی خراسانی، انتشارات باران حکمت.
- [۳] الفقه علی المذاهب الخمسة، مغنية، الشيخ محمد جواد، ج ۱، ص ۷۳.
- [۴] العروة الوثقی، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۲، ص ۲۲۱.
- [۵] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلبي، ج ۱، ص ۴۰.
- [۶] جواهرالكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمدحسن، ج ۵، ص ۲۳۲.
- [۷] نهاية الأحكام، العلامة الحلبي، ج ۱، ص ۲۰۱.
- [۸] مسائل الناصريات، السيد الشريف المرتضي، ج ۱، ص ۱۶۱.
- [۹] قواعد الأحكام، العلامة الحلبي، ج ۱، ص ۳۰۹.
- [۱۰] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۳۱۵، أبواب أحكام الخلوة، باب ۹، ح ۱، ط آل البيت.
- [۱۱] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۳۷۳، أبواب الاستحاضة، باب ۱، ح ۵، ط آل البيت.
- [۱۲] العروة الوثقی، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۲، ص ۲۲۱.
- [۱۳] العروة الوثقی - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ۳، ص ۶۲.



